



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۱۹۵-۲۰۰

سیاست‌پژوهی

استحکام بخشی بنیان‌های نوشتاری دانش سیاست‌گذاری عمومی*

حمیدرضا ملک محمدی^۱

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۸ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۵)

چکیده

کار انتقال دانش، از جمله اموری است که از نظر اهمیت، کمتر از تولید آن نیست. دانش تولید شده، چنانچه فاقد راه‌های مناسب برای انتقال باشد، راه زوال را خواهد پیمود. در اینجا است که نقش زبان در معنای عام کلمه، به عنوان واسطه‌ای قدرتمند، ظاهر می‌گردد و این ظهور در حوزه دانش‌های مرتبط با علوم انسانی، نقش پررنگ‌تری دارد. نوشته حاضر تلاش دارد تا با پرداختن به روش دانشنامه‌نویسی به عنوان یکی از روش‌های انتقال دانش، آن را از جمله شیوه‌های مهم استحکام‌بخشی بنیان‌های نوشتاری دانش بشمارد و از این رهگذر، دانشنامه فلسفه و سیاست‌گذاری عمومی را به عنوان شاهد مدعا مورد کندوکاو قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: دانش، انتقال دانش، دانشنامه، فلسفه، سیاست‌گذاری عمومی.

* - این مقاله به شرح و بررسی دانشنامه فلسفه و سیاست‌گذاری عمومی زیر نظر دیوید بونین به مشخصات زیر می‌پردازد:
The Palgrave Handbook of Philosophy and Public Policy 1st ed. 2018 Edition.

مقدمه

انتقال دانش، مقامی همسنگ تولید آن را داراست. دانش تولید شده اگر نتواند از پوسته ابتدایی خود خارج گردد و از فرد و گروه و مجموعه‌ای به افراد و گروه‌ها و مجموعه‌های دیگر منتقل شود، محکوم به فراموشی و از میان رفتن در محبس خود خواهد بود. در اینجاست که زبان به مثابه ارجمندترین عنصر ارتباط‌سازی، کار انتقال دانش را همچون انتقال دیگر مفاهیم و خواسته‌ها و احساسات، برعهده می‌گیرد. مفهوم زبان در گزاره «عنصر ارتباط‌ساز»، چیزی فراتر از سخن گفتن است و به سمت معنای بیان یعنی بازنمایی و انتقال یک مفهوم، خواسته یا احساس پیش می‌رود. این توسیع مفهومی، حضور زبان در معنای بیان را در عرصه‌های گفتاری، نوشتاری، تجسمی و حتی بازنمایی‌های فناورانه به حضوری قدرتمند از یک عنصر ارتباط‌ساز با هدف انتقال مفاهیم، تبدیل می‌نماید. در این حال، نوشته حاضر، چنان که از عنوانش هویداست، بخش نوشتاری از ارتباطات انتقال‌ساز را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، انتقال مفاهیم، ادراکات، احساسات و یافته‌ها از طریق نگارش در حوزه‌های دانشی به عنوان با قدمت‌ترین شیوه نگه‌داشت و انتقال دانش در این نوشته، مدنظر است. نوشته‌های دانشگاهی به شکل کتاب، مقاله، رساله، تعریض و مانند آن، بنیان‌های اصلی نوشتاری در کار انتقال دانش محسوب می‌شوند و در این میان، دانشنامه‌نگاری^۲ در علوم انسانی، مکانی در خور را به خود اختصاص می‌دهد (ن.ک مثلا مک گوایر و همکاران ۱۳۹۳؛ نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۷).

ویژگی‌های یک سبک نوشتاری

دانشنامه‌نویسی نوعی سبک نوشتاری بویژه در عرصه علوم انسانی است که در آن مجموعه گسترده‌ای از مطالب گرد موضوعی خاص به قلم نویسندگان متبحر به رشته تحریر در می‌آید و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. این گونه از نوشته‌ها اگرچه در قالب نوشتاری یک کتاب ظاهر می‌شود اما در مقام مقایسه با کتاب‌های معمول، از چند ویژگی منحصر به فرد برخوردار است. نخست آن که این دست از نوشته‌ها، نوعاً موضوعاتی بسیار متنوع را در خود جای می‌دهند، اگرچه این تنوع، به وحدت مسئله اصلی لطمه‌ای وارد نمی‌کند و وحدت آن در کثرت موضوعات مطرح شده، گم نمی‌شود. دوم شمار بالنسبه فراوان نویسندگان است که غنابخش چنین نوشته‌هایی است. دانشنامه‌نویسان که زیر نظر یک یا چند گردآورنده به فعالیت مشغول می‌شوند، افرادی هستند که در حوزه تخصصی خویش، قلم به دستانی مشهورند و به این ترتیب، مجموعه‌ای از نوشته‌های متنوع بوسیله نویسندگان گوناگون، ذیل مسئله‌ای واحد و با نظم چینی‌شی

یک یا چند گردآورنده، دانشنامه‌ای را عرضه می‌نماید که در بسیاری اوقات، ارزش آن از چندین مجلد کتاب بیشتر است.

دانشنامه فلسفه و سیاستگذاری عمومی^۳

دانشنامه فلسفه و سیاستگذاری عمومی از جمله دانشنامه‌هایی است که در سال ۲۰۱۸ زیر نظر دیوید بونین توسط انتشارات مک میلان منتشر شده است. این کتاب، چنان که از نامش برمی‌آید، دانشنامه‌ای است که در ۸ بخش و ۶۱ فصل با ۸۳۶ صفحه، بحث‌های مرتبط با فلسفه و سیاستگذاری عمومی را به قلم شماری از نویسندگان در معرض دید و مطالعه مخاطبان قرار می‌دهد. اولی بخش از دانشنامه با عنوان جرم، مجازات و قانون، فصولی هشت گانه (۸-۱) را پس از مقدمه دیوید بونین در بر دارد. این بخش بر روی نظام عدالت کیفری متمرکز است و به پرسش‌هایی در این ارتباط از خلال فصول خود جواب می‌دهد. از جمله: توجیه‌پذیری اخلاقی سیاست‌های ماقبل رسیدگی در ایالات متحده؛ وجاهت ادله‌ای اسکن مغز افراد بزهکار در رسیدگی‌های کیفری؛ نوع رأی هیأت منصفه در وضعیت‌های مختلف از جمله زمانی که یک مجازات را غیرعادلانه بدانند؛ و دیگر موضوعات کلی‌تر درباره نظام عدالت کیفری مانند نقش توسعه علوم اعصاب برای حقوق کیفری. بخش دوم با عنوان جنگ، تروریسم و حاکمیت ملی با ۷ فصل (۹-۱۵) به بررسی پرسش‌های اخلاقی پایه‌ای در مواردی همچون عملیات روان‌شناختی نظامی، استفاده از شکنجه در بازجویی، استفاده از پهبادهای کشنده و بی‌رحمی‌های مرتبط با گروه‌های تروریستی می‌پردازد. بحث از سیاست مرزهای باز در خصوص مهاجرت و وظیفه دولت در خصوص کاهش مهاجرت‌های غیرقانونی از دیگر فصول این بخش است. فصول هشت‌گانه ۱۶ تا ۲۳، شکل‌دهنده بخش سوم دانشنامه با عنوان مشارکت سیاسی، دستکاری و موقعیت است. در این فصل به مباحثی همچون نظر شهروندان درباره اینکه چه کسی باید حکومت کند؛ ارزیابی اخلاقی از رفتار رأی‌دهندگان؛ دفاع از ایده حق رأی برای کودکان و شیوه‌هایی که دولت‌ها، نحوه رفتار رأی‌دهندگان را تعیین می‌کنند، پرداخته می‌شود. آزادی بیان و عقیده، عنوان بخش چهارم کتاب با فصولی هفت‌گانه (۲۴-۳۰) است که کار در آن با آزادی اندیشه آغاز می‌شود؛ بحث‌هایی در خصوص قضایای مطرح شده در دیوان عالی ایالات متحده، پیش کشیده می‌شود؛ مسائل و نمادهای مربوط به نژادپرستی، تصاویر غیراخلاقی رایانه-پایه از کودکان و حقوق افراد معلول از دیگر بحث‌های این بخش از کتاب است. بخش پنجم کتاب با هفت فصل (۳۱-۳۷) با عنوان عدالت و نابرابری به مباحثی در این خصوص با تأکید بر موضوعات اقتصادی از جمله ارزیابی اصول رقیب عدالت توزیعی، نوع برابری‌ها، زندان‌های

خصوصی و وام‌های دانشجویی می‌پردازد. اخلاق زیستی و فناوری زیستی، ششمین بخش کتاب با ده فصل (۳۸-۴۷) را به خود اختصاص داده است. در فصل آغازین این بخش به دستکاری‌های ژنتیکی، از تاریخچه آن تا مباحث ژن درمانی و فناوری‌های مقابله با بیماری‌ها از جمله مالاریا و مبارزه با مالاریا از طریق ایجاد ژن‌های مقاوم در برابر این بیماری در جمعیت پشه‌ها می‌پردازد. این بخش به بحث‌های دیگری از جمله تقلب در دنیای ورزش و همچنین زیست‌شناسی تکاملی نیز اشاره‌هایی دارد. در این بخش، فصولی به چشم می‌خورد که هر کدام به نوعی، مسائل سیاستی مرتبط با تحقیقات میدانی را به بررسی می‌نشیند. بخش هفتم کتاب هفت فصل (۵۴-۴۸) با عنوان آغاز و پایان موضوعات مرتبط با زنده ماندن به مجموعه‌ای از بحث‌ها می‌پردازد که گاه ذیل عنوان کلی اخلاق زیستی قابل جمع است. این بخش بر مباحثی همچون تولید انسان‌های مصنوعی، بارداری نیابتی، سقط جنین و همچنین تمرکز بر روی مرگ خود خواسته با کمک پزشک، تکیه دارد. سرانجام، اخلاق زیست محیطی و مسائل زیست محیطی، عنوان هشتمین بخش از دانشنامه مورد نظر با هفت فصل (۶۱-۵۵) است. بخش هفتم در بحث‌هایی در خصوص اخلاق دوستدار طبیعت و عدالت محیطی، استفاده از فلسفه علم در خدمت سیاست‌های زیست محیطی و کنار گذاردن کارخانه‌های فعال با سوخت‌های فسیلی در پاسخ به گرم شدن زمین می‌پردازد.

تحلیل مباحث مرتبط با فلسفه و سیاستگذاری عمومی در دانشنامه

دانشنامه فلسفه و سیاستگذاری عمومی، نه می‌تواند کتابی جامع و بی‌نقص در این خصوص باشد و نه چنین ادعایی را دارد زیرا هم فلسفه و هم سیاستگذاری عمومی، حوزه‌هایی بیش از اندازه گسترده هستند که بتوان در نوشته‌ای واحد، موضوعات آن‌ها را پوشش داد. تنوع بحث‌های مربوط به سیاستگذاری عمومی، چنان است که طیفی گسترده از اقتصاددانان، روان‌شناسان، پزشکان، مورخان، دانشمندان محیط زیست، مهندسان، دانشگاهیان رشته‌های گوناگون، دیپلمات‌ها و بسیاری دیگر، تنها شماری اندک از خیلی بی‌شمار محسوب می‌شوند که به کار مشورت با متخصصان سیاستگذاری عمومی می‌آیند. اما آیا در این میان، فلسفه می‌تواند از چنان جایگاهی برخوردار باشد که قرین نام رشته سیاستگذاری عمومی بر روی جلد نوشته‌ای دانشنامه‌ای باشد؟ پاسخ به این پرسش با مطالعه فصول مختلف این کتاب، به تدریج بر خواننده، آشکار می‌گردد. بخش فلسفی این نوشته، دانشنامه را در مسیری قرار می‌دهد تا از طریق به تصویر کشیدن راه‌های مختلف حضور استدلال فلسفی در ثمربخشی بحث‌های سیاستی به این پرسش احتمالی در ذهن خواننده، پاسخ دهد. این بخش به خواننده کمک می‌کند تا با دقتی بیشتر و خرده‌گیری افزون‌تر، در سطحی نظری، به اصول انتزاعی و اخلاقی کلی که ممکن است برای

افراد در حوزه سیاست‌های مختلف، پیش‌آید، بیان‌دیشد. این جهت‌گیری به هنگام بحث از عدالت و به شکلی دقیق‌تر، عدالت توزیعی، نمود بیشتری پیدا می‌کند. چنان که در فصل ۳۱ در بخش پنجم از کتاب، تحلیلی دقیق از انواع اصول عدالت توزیعی، خواننده را به اندیشیدن به نقاط قوت و محدودیت‌ها می‌کشاند و یا در فصل بعدی، بحث‌های مساوات‌گرایی را با همین منظور مطرح می‌نماید. کتاب می‌کوشد تا به خواننده خود القا نماید که موضع‌گیری در برخی مسائل سیاستی، نیازمند طرح پرسش‌هایی انتزاعی یعنی همان چیزی است که هنر فلسفه می‌باشد و به این ترتیب، خواننده، اتصال میان انتزاع و واقعیت را از این مسیر در می‌یابد که نمونه‌ای از آن در فصل ۴۹ در خصوص رابطه متافیزیکی میان یک زن باردار و جنین او بررسی می‌گردد. کتاب در فصولی دیگر، نشان‌دهنده مشارکت‌های فلسفی به اشکالی دیگر در خصوص مسائل سیاستی است. نمونه‌ای از این بحث‌ها را می‌توان در فصل پنجم که به جرایم مرتبط با مواد مخدر مربوط است یا در فصل ۲۹ که از تصاویر غیراخلاقی کودکان در رایانه‌ها سخن می‌گوید ملاحظه نمود. شاید اوج این حضور فلسفی را بتوان در فصل ۵۳ که به بحث‌های مرتبط با خودکشی با کمک پزشک می‌پردازد، مشاهده کرد. در اینجا فلسفه می‌کوشد به مواردی ورود نماید که در آن، یک فرد خواهان مرگ خویش، با کمک پزشک، دست به خودکشی بزند و پس از طرح این گونه مباحث، روایی آن از نظر قانون را برای همگان یا صرفاً برای افراد دارای بیماری‌های شدید، به بحث گذارد. آنچه در اینجا مطرح می‌شود این که آیا سیاستگذاری در این زمینه می‌تواند در زمره قتل‌های کیفری قرار گیرد (Wolfgang: 1954). از دیگر شیوه‌هایی که ضمن آن، فلسفه در این کتاب در بحث‌های سیاستگذاری عمومی مشارکت می‌نماید، پیش کشیدن یک نظریه کلی و سپس تلاش برای انتزاع یک نتیجه‌گیری درباره یک موضوع سیاستی خاص است. نمونه‌ای از این مورد را می‌توان در فصل ۴۷ در ارتباط با مدیریت مسائل مرتبط با سلامت ذهنی در ترتیبات آموزشی ملاحظه نمود. شیوه‌ای دیگر از شیوه‌های عمل فلسفه در این کتاب، به آزمون کشیدن یک موضوع سیاستی خاص از نگاه گستره‌ای وسیع از نظریه‌های سنتی با هدف روشن کردن همپوشان بودن یا نبودن نتایج است. نمونه‌ای از این شیوه را می‌توان در بخش دوم کتاب یعنی جنگ، تروریسم و حاکمیت ملی در فصل دهم در ارتباط با شکنجه به هنگام بازجویی از نگاه‌های مختلف کانتی، سودگرایانه، اخلاقی و سنت حقوق طبیعی مشاهده نمود. در بخش‌های دیگری در کتاب، فلسفه به کمک خواننده می‌آید تا مسائل سیاستی جدیدتر را که در جوامع برجسته شده‌اند، تحلیل نماید. از جمله این موارد می‌توان به مباحث فصل ۱۱ در خصوص پهبادهای مدرن نظامی و مباحث فصول سوم و هفتم درباره فناوری‌های عصب‌شناختی اشاره نمود. البته این مسأله موجب نمی‌شود تا موضوعات از پیش موجود که در برخی جوامع، همواره در زمره

بحث‌های سیاستی بوده‌اند مانند سقط جنین در فصول ۵۰ و ۵۱ یا آزادی بیان در فصل ۲۴، از این نگاه فلسفی دور بماند.

فرجام سخن

کتاب دانشنامه فلسفه و سیاستگذاری عمومی از جمله نوشته‌های دانشنامه‌ای است که دو رویکرد عمده را همزمان در بیان و تحلیل مسائل موردنظر خود به کار گرفته است. این دانشنامه از جمله کتاب‌های مفصل با ۶۱ فصل است که به دست نویسندگان متخصص هر حوزه در معرض دید خوانندگان خود قرار گرفته است. از جمله نکات قابل توجه در این کار دانشنامه‌نویسی، ارائه گستره‌ای از مهم‌ترین و گاه فوری‌ترین موضوعات پیش روی ماست که تلاش شده تا از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این حال از مواردی که در دانشنامه‌نویسی نباید مورد غفلت خوانندگان قرار گیرد این که دانشنامه‌ها، تصویری کلی از حوزه مورد نظر خود را ارائه می‌نمایند و لذا نباید چنین انتظار داشت که در این تصویر کلان، تمام عناصر با وضوح کامل به چشم آیند. این مسأله زمانی که موضوع مورد بررسی دانشنامه، موضوعی گسترده مانند سیاستگذاری عمومی باشد، بیشتر جلب توجه می‌کند. با این حال، دانشنامه‌نویسی، هم به دلیل آن که ذیل یک عنوان کلی و واحد، ده‌ها موضوع شناسایی می‌شود و مقالاتی در هر زمینه به قلم صاحب‌نظران نگارش می‌گردد، به عنوان یکی از روش‌های مهم در استحکام‌بخشی بنیان‌های نوشتاری دانش محسوب می‌شود. دانشنامه فلسفه و سیاستگذاری عمومی، ذهن خواننده را از همان ابتدا، درگیر یافتن ارتباط میان این دو حوزه می‌نماید اما احاطه بر این ارتباط و درک جنبه‌های گوناگونی که فلسفه را با علوم سیاستگذاری مرتبط می‌سازد، پس از مطالعه فصول مختلف و چگونگی استدلال‌ها در هر زمینه است که ظاهر خواهد شد.

منابع

- ۱- مک گوایر، مایک؛ مورگان، راد؛ رنیر، رابرت (۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان.
- ۲- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۷)؛ درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن در: دانشنامه جرم‌شناسی محکومان؛ به کوشش عباس شیری، نشر میزان.

3- Boonin, D.(2018), The Palgrave Handbook of Philosophy and Public Policy, Palgrave, Mcmilan.

4- Wolfgang, M.(1959), Patterns of Criminal Homicide, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.